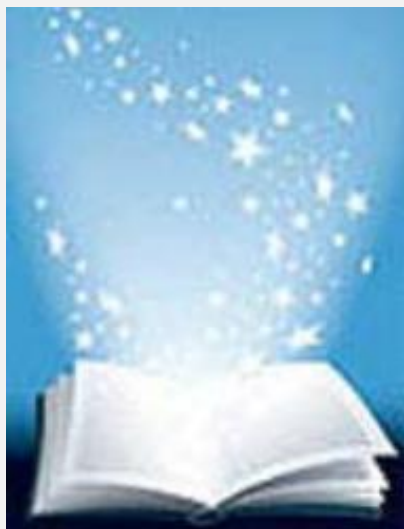


چگونه کتاب فلسفه را بخوانیم

توصیه های زیر اصولاً برای دانشجویانی است که تازه فلسفه را شروع کرده اند، با این حال امیدواریم این مطالب برای کسانی که سابقه مطالعه فلسفی دارند نیز مفید باشد...



توصیه های زیر اصولاً برای دانشجویانی است که تازه فلسفه را شروع کرده اند، با این حال امیدواریم این مطالب برای کسانی که سابقه مطالعه فلسفی دارند نیز مفید باشد.

دیدگاه شما برای مطالعه کتاب یا مقاله می بایست دیدگاهی انتقادی و سؤالی باشد: هدف شما این نیست که مطلب مورد نظر را با حداکثر سرعت ممکنه بخوانید و تصور کنید که «بالاخره آن را خواندم»؛ بلکه هدف آن است که فهمی از آن حاصل کنید. چنین هدفی، مطالعه ای آرام، به همراه توقف های مکرر را می طلبد برای آنکه ببینید آیا می توانید مبحث را به صورت خلاصه با کلمات خود تکرار کنید یا نه! و هم برای اینکه به نکاتی توجه کنید که فهم آنها دشوار است یا با نویسنده بر سر آنها اختلاف دارید. شما نیاز خواهید داشت که برخی متن ها یا صفحات را بیشتر از یک بار بخوانید. ما تأکید بیشتری بر مطالعه دقیق و عمیق داریم تا مطالعه وسیع. ممکن است مفید باشد که با همکلاسی های خود، گروه هایی برای مطالعات غیر رسمی شکل دهید.

مطالعه فلسفه ساده نیست. از ویتگنشتاین نقل شده است که این کار را، «گونه ای عذاب» توصیف کرده بود. (کسانی که حداقل کارهای ویتگنشتاین متأخر را مطالعه کرده باشند ممکن است با او احساس همدردی کنند!) به طور کلی شما می بایست در مطالعه، دیدگاهی انتقادی داشته باشید، نباید به سادگی خیال کنید که یک نویسنده لزوماً درست گفته است. در اینجا سؤالاتی کلی وجود دارد که اهمیت دارد همیشه در حین مطالعه مدنظر داشته باشید:

الف) ایده اصلی چیست هر اثری که از شما خواسته می شود آن را مطالعه کنید، در باب نتیجه ای استدلال می کند. این مهم است که، به وضوح، متوجه شوید این نتیجه چیست. یک روش برای اینکه چک کنید آیا متوجه آن شده اید یا نه، این است که ببینید آیا می توانید ایده اصلی را توضیح دهید! آن هم نه با عبارات نویسنده بلکه با کلمات خودتان.

ب) استدلال برای آن ایده اصلی چیست چه فرضی صریحاً بیان شده اند چه استنتاجاتی آورده شده اند چه شواهدی، اگر لازم بوده، برای فرض مطرحه، ارائه شده است آیا آنها مستقلاً موجه هستند معمولاً فلاسفه بیانی غیر شفاف دارند؛ سعی کنید فرضی که آنها بدان تکیه دارند را، کاملاً به روشنی بیان کنید. اگر استدلال به نظر نامعتبر می آید سعی کنید تصور کنید چه فرض دیگری برای معتبر شدن آن نیاز است. شاید نویسنده ضمناً چنین پیش فرض هایی را در نظر گرفته باشد. ممکن است همینکه این «فروض ضمنی» بیان شوند، غیرشفاف تر از آن به نظر برسند که نویسنده خود می پنداشت. این نکته انتقادی خوبی است:

نویسنده، در این قسمت استدلال، نیاز داشت تا چیزی مانند X را مفروض بگیرد، اما همین که ما X را بررسی می کنیم، به این نتیجه می رسیم که این فرض کاذب است (یا اینکه صدق آن بدیهی نیست)، و طبیعتاً نیاز به استدلال دارد.

ج) حتی اگر شواهدی برای فرض ارائه شده بود، آیا در واقع می بایست پذیرفته شوند آیا فرض برابر موجهی وجود دارند که به نتایج متفاوتی برسند اگر فرض، صورتی کلی دارد، آیا واقعاً به طور کلی به کار می رود یا مثال های نقضی هم وجود دارد اگر فرض نیاز به اصلاح و تصحیح دارد تا مثال نقض را در نظر آورد، آیا بعد از آن نیز استدلال منسجم می ماند

د) اگر نتیجه صادق باشد، چه چیزهای دیگری از آن منتج می شوند حتی اگر استدلال به نظر قانع کننده برسد، شما می بایست نتیجه را «آزمون» کنید. بدین وسیله که ببینید چه چیزهای دیگری از آن حاصل می شود. اگر برخی از این پیامدها [استنتاجی] اشتباهند، بنابراین آن نتیجه می بایست اشتباه باشد، و این به نوبه خود بدان معناست که یکی از فرض- که کلاً به نظر شما موجه می رسد- باید، در واقع، اشتباه باشد. (به خوبی درباره منطقی که در این پاراگراف طرح شده، فکر کنید.

پس، به آرامی مطالعه کنید و تنها مطالب را نیلغید - فکر کنید، واکنش نشان دهید، تحقیق کنید.

منبع: persianbook.net

نویسنده: سید مرتضی هاشمی مدنی